

بررسی دریافت ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران

حسین بحری*

چکیده

ترجمه فارسی کتاب جیمز موریه، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، از شاهکارهای ادب فارسی است. میرزا حبیب اصفهانی این ترجمه را از روی ترجمه فرانسوی کتاب به فارسی برگردانده است. این واقعیت که اثری ترجمه شده، آن هم از طریق ترجمه‌ای میانجی، بتواند با چنان استقبالی در میان خوانندگان یک زبان مواجه شود، کم‌سابقه و استثنایی است. از زمان انتشار این اثر، پژوهشگران زبان و ادبیات، ترجمه و دیگر رشته‌های علوم انسانی جنبه‌های مختلف آن را مطالعه کرده‌اند. باین‌حال، تاکنون پژوهشی که با رویکردی تاریخی به مطالعه دریافت مخاطب فارسی‌زبان از این ترجمه بپردازد صورت نگرفته است. در این مقاله، پژوهشگر براساس مفهوم «افق انتظار» یوس و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، تلاش کرده تا با مرور آثار و بررسی متون موجود به ابعاد مختلف دریافت مخاطب فارسی‌زبان از این ترجمه در قبل و بعد از انقلاب اسلامی دست یابد. برای این منظور، از میان نقدها و پژوهش‌های موجود درباب این اثر، که شامل حدود ۵۰ مقاله و کتاب فارسی منتشرشده از سال ۱۳۲۱ تا به حال است، ۱۰ اثر شاخص و مرتبط (۵ اثر منتشرشده قبل و ۵ اثر بعد از انقلاب اسلامی) گزینش شد و با روش تحلیل محتوای کیفی، انتظارات درون آنها هدف بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس، ابعاد مختلف دریافت‌هایی که از ترجمه فارسی حاجی بابا در این آثار طرح و بحث شده، استخراج و مقایسه شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی طی هردو بازه زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، ذائقه ادبی خوانندگان، از جمله ادیبان، منتقدان و پژوهشگران، را جلب کرده و با گذشت زمان، همچنان مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته که مایه ماندگاری و محبوبیت این اثر شده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه دریافت، افق انتظار، نقد ادبی، ترجمه، میرزا حبیب اصفهانی.

* استادیار زبان‌های خارجی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. hbahri@khu.ac.ir



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۷

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۲، شماره ۹۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۳۸-۵

A Study of the Reception of the Persian Translation of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* Before and After the Islamic Revolution in Iran

Hossein Bahri*

Abstract

The Persian translation of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* by James Morier is undoubtedly one of the masterpieces of Persian literature. Mirza Habib Esfahani translated this work into Persian from the French translation of the book. The fact that a translated work, through an intermediary translation, can meet such a reception by the readers in the literature of a language is considered one of the rare and exceptional cases. Since the publication of this work, researchers of language and literature, translation, and other fields of humanities have studied its various aspects. However, so far, no research has studied the reception of this translation by Persian readers from a historical perspective. In this article, based on Jauss's concept of "Horizon of Expectations" and using the descriptive-analytical method, the researcher has tried to investigate various aspects of the reception of this translation by the Persian readers before and after the Islamic Revolution through reviewing the works and examining the existing texts. To do so, from among the studies available on this work, which comprised about 50 Persian articles and books published since 1942, ten significant works (5 published before and 5 after the Islamic Revolution) were selected, and the expectations within them were examined and analyzed using the qualitative content analysis method. Next, the various themes of the Persian translation receptions discussed in these ten works were extracted and compared. The findings of the study indicated that during both periods, the Persian translation of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* was of interest to the literary taste and in line with the expectations of the readers, including those of writers, critics, and researchers. It continues to be widely received by the readers, which has made this work enduring and popular.

Keywords: Reception Theory, Horizon of Expectations, Literary Criticism, Translation, Mirza Habib Esfahani.

* Assistant Professor of Department of Foreign Languages, Kharazmi University, Tehran, Iran, hbahri@khu.ac.ir

۱. مقدمه

جیمز جاستینین موریر^۱ (در متون فارسی و در این مقاله: جیمز موریه) (۱۷۸۲-۱۸۴۹) نویسنده، وقایع‌نگار و مأمور سیاسی انگلستان در ایران دوره فتحعلی‌شاه قاجار، در سال ۱۸۲۴ میلادی، رمان *ماجراهای حاجی بابای اصفهانی*^۲ را براساس خاطرات حدود شش سال (۱۸۰۸-۱۸۰۹ و ۱۸۱۰-۱۸۱۴) مأموریت سیاسی‌اش در ایران به زبان انگلیسی به رشته تحریر درآورد. موریه این رمان را در قالب رندنامه^۳ که نوع ادبی^۴ پرطرفداری در اروپای آن روزگار بود و با الگوبرداری از سرگذشت *ژیل پلاس*^۵ اثر آلن رنه لوساژ^۶ فرانسوی نوشت که پیشتر و در سال ۱۷۴۹ به انگلیسی ترجمه شده بود. موریه همچنین در سال ۱۸۳۲ رمان *سهراب* (درباره بخشی از وقایع سلطنت آغامحمدخان قاجار) و در سال ۱۸۳۴ رمان *عایشه دختری از قارص* (درباره برخی وقایع سفر به مرز ایران و عثمانی در آسیای صغیر) را به انگلیسی نوشت؛ باین‌حال، رمان *حاجی بابا* با استقبال فراوان علاقه‌مندان و شرق‌شناسان مواجه شد و مایه شهرت او شد. در همان سال انتشار (۱۸۲۴)، *حاجی بابا* به دو زبان فرانسوی و آلمانی ترجمه شد و تا سال‌ها به‌مثابه منبع اصلی آشنایی با فرهنگ و رسوم ایرانی به مأموران سیاسی و شرق‌شناسان توصیه می‌شد (Amanat, 2003).

بیش از شش‌دهه بعد از انتشار رمان *حاجی بابا* به زبان انگلیسی و سال‌ها پس از مرگ نویسنده، میرزا حبیب اصفهانی، که ادیب، زبان‌شناس، مترجم و ناراضی سیاسی ایرانی ساکن عثمانی بود، احتمالاً در سال ۱۸۸۶ (۱۲۶۵ خورشیدی)، کتاب را از روی ترجمه فرانسوی به زبان فارسی برگرداند، اما به‌دلیل سیاست سانسور دولت عثمانی موفق به چاپ آن نشد. او احتمالاً در سال ۱۲۷۲ بر اثر بیماری درگذشته است. چندسال بعد از فوت میرزاحبیب، یک نسخه دستنویس از ترجمه فارسی او در میان وسیله‌های بازمانده از دوستش، شیخ احمد روحی کرمانی، که به ظن شراکت در ترور ناصرالدین‌شاه در تبریز اعدام شده بود، به‌دست کنسول سابق بریتانیا در کرمان رسید و او تصور کرد که روحی مترجم این اثر است. او این ترجمه را در سال ۱۹۰۵ میلادی (۱۲۸۴) به هند برد و در شهر کلکته برای آموزش زبان فارسی به دانشجویان در هند و انگلستان و با عنوان ترجمه روحی منتشر کرد. سال‌ها بعد، در سال ۱۳۳۹، و با تلاش‌های جمالزاده و مینوی، مشخص شد که مترجم واقعی این اثر میرزاحبیب اصفهانی است. در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳)، روزنامه‌نگار مشهور دوره مشروطه،

جلال‌الدین مؤیدالاسلام، ناشر روزنامه *حبل‌المتین*، چاپ دیگری از این اثر را در کلکته منتشر کرد. در آن دوره، افراد کمی در ایران به ترجمه فارسی کتاب دسترسی داشتند. عباس امانت (۲۰۰۳) معتقد است نسخه‌های خطی ترجمه میرزاحیب، حتی پیش از چاپ آن، در دسترس خواننده فارسی‌زبان بوده است. اگرچه سال‌ها طول کشید تا پس از رفع محدودیت‌های دوره پهلوی اول، خوانندگان فارسی‌زبان امکان دسترسی گسترده و دریافت متن فارسی آن را پیدا کنند. ظاهراً نخستین چاپ کتاب در تهران در سال ۱۳۳۰ بود. البته، در قرن نوزدهم افراد دیگری از جمله محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و شخصی به نام اسماعیل محلاتی ترجمه‌های نیمه‌تمامی از متن داستان *حاجی‌بابا* به فارسی انجام دادند؛ با این حال، ترجمه کامل میرزاحیب به دلایل بسیار یک نمونه آشکار از اثری فاخر در ادبیات فارسی به شمار می‌رود و ادیبان، منتقدان و صاحب‌نظران گوناگونی طی دهه‌های گذشته بر این مدعا صحه گذاشته‌اند و با رویکردهای متفاوت سعی در تبیین چرایی این امر داشته‌اند (آذرنگ، ۱۳۹۵؛ آرین‌پور، ۱۳۵۰؛ بوبانی، ۱۳۸۷؛ بهار، ۱۳۲۱؛ جمالزاده، ۱۳۴۸؛ حدادیان مقدم، ۱۳۹۳؛ دهقان‌بان و جمالی، ۱۳۹۳؛ کریمی حکاک، ۱۳۷۸؛ مینوی، ۱۳۴۶؛ ناطق، ۱۳۵۳). در مقاله حاضر، ضمن مرور پژوهش‌های مرتبط و تحلیل آثار ده پژوهشگر یادشده، با رویکردی تاریخی و نظریه‌محور به بررسی دریافت^۷ (پذیرش) خواننده‌منتقد فارسی‌زبان از ترجمه فارسی سرگذشت *حاجی‌بابای اصفهانی* براساس مفهوم افق انتظار^۸ هانس روبرت یاوس^۹ می‌پردازیم.

۱.۱. بیان مسئله

ترجمه فارسی سرگذشت *حاجی‌بابای اصفهانی* ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که به‌گفته منتقدان، آن را در ادبیات فارسی خواندنی و مطلوب مخاطب می‌سازد. به‌طور کلی، آثار ادبی تأثیرات متفاوتی بر مخاطب می‌گذارند؛ درحالی‌که برخی آثار انتظارات خواننده را برآورده می‌کنند، برخی دیگر ممکن است انتظارات او را به چالش بکشند یا حتی خواننده را ناامید کنند. هانس روبرت یاوس (1982: 24) از اصطلاح «افق انتظار» زیبایی‌شناسی برای اشاره به انتظارات کلی استفاده می‌کند که خوانندگان هر متن از سبک، صورت، محتوا و... مربوط به نوع ادبی آن متن دارند. همچنین، حاتم و ماندی (2004: 347) دریافت هر ترجمه را برابر با واکنشی می‌دانند که آن اثر از خوانندگان در زبان مقصد دریافت می‌کند؛ برای مثال، مقالات مروری منتشرشده درباره ترجمه آن اثر را نمونه‌ای از دریافت آن در فرهنگ مقصد می‌دانند.

یکی از روش‌هایی که می‌توان انتظارات خوانندگان را به‌خوبی بررسی کرد و درباب اثر به خوانندگان و مخاطبان آگاهی بخشید و از طریق آن به ارائه نقد و مباحثه و استدلال پرداخت، مطالعه مقالاتی است که درباره آن اثر نوشته شده است؛ چه به‌لحاظ ارزیابی و انعکاس نظر خوانندگان، چه از نظر اطلاع‌رسانی به مخاطبان دیگر و چه به‌لحاظ ایجاد انگیزه در دیگران برای مطالعه اثر یا خرید آن (Munday, 2016: 241). براون معتقد است که برای آگاهی از چگونگی دریافت هر متن، باید به بررسی مقالاتی که درباره آن اثر نوشته شده پرداخت؛ زیرا مقالات انبوهی از واکنش‌ها را به نویسنده و متن نمایش می‌دهند (Brown, 1994: 7). از سوی دیگر، ملک‌شاهی و خزاعی فرید (۱۳۹۶: ۲۱) انواع خواننده (دریافت‌کننده) اثر را شامل مترجمان، منتقدان، پژوهشگران، نویسندگان بومی، خوانندگان عام، و تاریخ‌نگاران می‌دانند. به‌رغم اهمیتی که مقالات دارند و با وجود اینکه در مرور پژوهش‌های مرتبط با یک موضوع خاص، اغلب به تعدادی از آنها اشاره می‌شود، تاکنون در حوزه دریافت متن و به‌خصوص با رویکردی تاریخی و نظریه‌محور به دریافت ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در میان مخاطبان فارسی‌زبان پژوهشی صورت نگرفته است. این مسئله از آنجا حائز اهمیت است که ترجمه‌ها، به‌خصوص وقتی که نه از زبان اصلی بلکه از روی ترجمه‌ای میانجی صورت می‌گیرند، به‌لحاظ کیفی و انتقال محتوا و پیام دچار تنزل می‌شوند. آثار ادبی فاخر در هر زبان معمولاً مربوط به نویسندگان یا شاعران طراز اول همان زبان هستند و به‌ندرت ممکن است اثری ترجمه‌شده بتواند در مجموعه آثار ادبی برجسته و تأثیرگذار آن زبان قرار گیرد و بحث‌های گسترده‌ای را در حوزه زیبایی‌شناسی دریافت متن ایجاد کند؛ بنابراین، بررسی دلایل استقبال خوانندگان و چگونگی دریافت متن فارسی ترجمه رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی هدف اصلی پژوهش حاضر است.

۲.۱. پرسش‌های پژوهش

سه پرسش اساسی درباب چگونگی دریافت متن ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در میان گروه خاص مخاطبان فارسی‌زبان مطرح است:
الف) آیا انتظارات نویسندگان آثار مرتبط با ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (به‌منزله گروهی از خوانندگان داستان) قبل و بعد از انقلاب اسلامی از این متن برآورده شده؟ به چالش کشیده شده؟ یا برآورده نشده است؟

ب) با فرض دریافت خوب و برآورده شدن انتظارات، دلایل یا مضامین مصداقی استقبال خوانندگان از ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی کدام است؟

۳. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین دریافت‌های خوانندگان موردنظر قبل و بعد از انقلاب اسلامی وجود دارد؟

۱.۳.۱. مبانی نظری

در این بخش، با تعریف مفاهیم و اصطلاحات به کار گرفته شده در این پژوهش، به طور خلاصه به مبانی نظری اشاره می‌شود.

۱.۳.۱. رویکرد نقد ادبی خواننده‌محور

رویکرد نقد ادبی خواننده‌محور،^{۱۰} همچون دیگر رویکردهای نقد ادبی، چندوجهی است و نظریه‌های یکسان و واحد ندارد. در تمام نظریاتی که خود را مبتنی بر پاسخ یا محوریت خواننده یا مخاطب می‌دانند، توجه به خواننده مشترک است. این رویکرد مبتنی بر جنبش‌های ساختارگرایی،^{۱۱} نقد ذهنی،^{۱۲} و پدیدارشناسی^{۱۳} است. در نقد ادبی خواننده‌محوری که مبتنی بر ساختارگرایی است، تحلیل متن فعالیت علمی است که طرفداران آن، چون جرالد پرنس^{۱۴} و جاناتان کالر،^{۱۵} به دنبال رموز و نشانه‌هایی در متن هستند که به آن معنی می‌بخشد. آنان بر این باورند که خواننده نظام پیچیده‌ای را، شامل رموز و نشانه‌هایی که از قبل برایش مشخص و معین هستند، به کار می‌گیرد تا معنای متن را دریابد. جرالد پرنس نوعی از ساختارگرایی را گسترش داد که مشهور به روایت‌شناسی است. او تأکید دارد که بهتر است منتقد ادبی به جای پرداختن به زاویه دید و شیوه حکایت داستان و شخصیت‌های هر روایت، به مخاطب راوی بپردازد که معمولاً نه فقط خواننده متن است، بلکه می‌تواند یک جنسیت، نسل، نژاد یا طبقه اجتماعی باشد. در روایت‌شناسی، تعیین مخاطب تاحدزیادی به متن و شیوه تحلیل آن بستگی دارد؛ باین حال، توجه به خواننده سبب می‌شود تا آن را نوعی از نقد ادبی خواننده‌محور بدانیم. از سوی دیگر، جاناتان کالر معتقد است اگر خوانندگان فرصت داشته باشند، می‌توانند معنای هر متن عجیب و غریبی را به شکلی دریابند؛ زیرا توانش ادبی دارند. او با این تلقی، تاحدودی از پرنس و دیگر ساختارگرایان فاصله می‌گیرد. به باور کالر، خوانندگان بر اثر تجربه مواجهه با متون، قوانینی را ملکه ذهن خود کرده‌اند که بر نحوه تفسیرشان حاکم

شده و باید بر این عمل تفسیر آنان تمرکز کرد. در نتیجه، کالر نظریه خواندن را مطرح می‌کند و به توانش ادبی‌ای که خوانندگان برای تفسیر متن به کار می‌برند می‌پردازد (Bressler, 2011: 76&104; Dobie, 2015: 138).

دیدگاه دوم مبتنی بر نقد ذهنی (تفسیری) است و بیشترین تأکید را بر نقش افکار، باورها، و تجربیات خواننده در فرآیند تفسیر متن دارد. اگرچه این دیدگاه به‌طور کلی از اصول تفسیر و علم تأویل^{۱۶} (به معنی نظریه تفسیر) استفاده می‌کند، باید توجه داشت که موضع نقد خواننده‌محور در مقاله حاضر با آرای افرادی چون امیلیو بتی^{۱۷} ایتالیایی و اریک دونالد هرش^{۱۸} آمریکایی متفاوت است که اظهار می‌کنند خواننده قادر است به تفسیری عینی از معنای تصریح‌شده نویسنده دست یابد. از جمله اینکه هرش معتقد است متن همان معنایی را دارد که منظور نویسنده بوده است. برعکس، آنچه در اینجا مطرح است به آرای افرادی چون مارتین هایدگر^{۱۹} و هانس-گئورگ گادامر^{۲۰} آلمانی نزدیک است که جریان فهمیدن هر متن را مستلزم زمان و تاریخ می‌دانند که هم در خوانش آن و هم در تمام جنبه‌های تجربه بشری تداوم دارد. در نتیجه تمام تفاسیر ذهنی هستند و هیچ تفسیر درستی وجود ندارد، بلکه به تعداد افق‌های (دامنه تجربیات) خوانندگان هر متن تفاسیر معتبر موجود است. از جمله نظریه‌پردازان این دیدگاه، استنلی فیش^{۲۱} معتقد است خوانندگان، در حین خواندن، متن تولید می‌کنند. او بررسی می‌کند که چگونه طرز قرار گرفتن کلمات در جمله بر دریافت مخاطب تأثیر می‌گذارد؛ یعنی تأثیر سبک بر خواننده چگونه است؛ باین‌حال، تفسیر را محصول جوامع تفسیری می‌داند که شامل گروه‌هایی از خوانندگان مطلع و زبان‌آشنا می‌شود که مفروضات و شگردهای مشترکی دارند و منکر واکنش فردی است؛ زیرا آن را نتیجه میراث فرهنگی و سنتی گروه‌ها می‌داند. نتیجه اینکه، هیچ خوانش صحیح جهان‌شمولی از متن نمی‌تواند وجود داشته باشد، اما اعتبار هر خوانش منوط به مفروضات و شگردهای مشترک بین فرد و دیگر اعضای جامعه تفسیری است (Bressler, 2011: 80; Abrams and Harpham, 2015: 179-181).

دیدگاه سوم در نقد ادبی خواننده‌محور مبتنی بر پدیدارشناسی است که به مطالعه ساختار تجربه و ادراک می‌پردازد. پدیده‌ها فقط وقتی معنی دارند که یک ناظر (خواننده، بیننده) وجود آنها را درک کند. به عبارت دیگر، اشیاء و مفاهیم فقط وقتی وجود دارند که در ذهن

هوشیار بشر ثبت شوند. در نتیجه، شعر یا داستان واقعی فقط در ذهن هوشیار خواننده وجود دارد نه به شکل چاپ شده بر کاغذ (Dobie, 2015: 134; Bressler, 2011: 77). پیامد این استدلال این است که تفسیر متن در نتیجه تعامل یا تبادل بین خواننده و متن ایجاد می شود. در چنین بینشی، خواننده به جای اینکه منفعل باشد، فعال است و با متن تبادل تجربه دارد. متن نقش یک محرک را بازی می کند تا تجربه ها، افکار، و نظریه های مختلف خواننده را که در زندگی واقعی و دیگر تجربه های خواندنی اش یافته، فراخواند؛ بنابراین، تحلیل واقعی هر متن حاصل در نظر گرفتن تجربه خواننده و متن با هم است نه متن به تنهایی. تفسیر فقط در بافت متن پدیدار می شود؛ یعنی حالتی که خواننده نقاد در یک «مناظره» یا «گفت و گو»، فعالانه درگیر فرآیند خواندن متن می شود (Dobie, 2015: 134). از میان نظریه پردازان معروف این دیدگاه می توان ژرژ پوله بلژیکی،^{۲۲} ولفگانگ آیزر^{۲۳} و هانس روبرت یاوس آلمانی را نام برد. پوله، از منتقدان متعلق به مکتب ژنو، معتقد است هدف از نقد ادبی، آگاهی و یکی دانستن خویش با آگاهی منحصر به فرد نویسنده است؛ زیرا در این مکتب، اثر ادبی مانند دنیایی افسانه ای است که از دنیای واقعی نویسنده شکل می گیرد و حاکی از آگاهی منحصر به فرد نویسنده است؛ بنابراین، می توان تمام آثار یک نویسنده را یک جا بررسی کرد تا به آگاهی او دست یافت. از سوی دیگر، آیزر بر این باور است که هر شیء یا متن تا زمانی که ذهن هوشیار آن را ثبت و ضبط نکند قابل فهم نیست؛ پس، نمی توان شیء را از ذهن هوشیار جدا کرد. در نتیجه، وظیفه منتقد ادبی این نیست که خود متن (شیء) را تحلیل و تشریح کند، بلکه باید تأثیر آن بر خواننده را شرح دهد. البته، او دو نوع خواننده را تعریف می کند: یکی خواننده ضمنی که در متن غیرمستقیم به او اشاره شده و بالقوه می تواند تأثیر کلی متن را نقد کند. دیگری خواننده واقعی یا شخصی است که متن را به دست می گیرد و می خواند. خواننده واقعی دارای هنجارها و تعصبات خاص فردی و فرهنگی است. خواننده ضمنی بیانگر نیاز به بررسی متن در فرآیند تفسیر است و خواننده واقعی حاکی از تأیید اعتبار واکنش هر خواننده به متن است. با توجه به رویکرد تاریخی مطالعه حاضر، که نیازمند استفاده از نظریه دریافت و مفهوم افق انتظار یاوس است، در بخش زیر به تشریح دیدگاه یاوس می پردازیم.

۱.۳.۲. مکتب کنستانس، نظریه دریافت و مفهوم افق انتظار

مکتب کنستانس به رویکردی در نقد ادبی اشاره می‌کند که استادان و دانشجویان دانشگاه کنستانس در آلمان غربی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ گسترش دادند. پیروان مکتب کنستانس به‌جای استفاده از روش‌های سنتی، که بر ایجاد متن یا بررسی دقیق متن تأکید دارند، به بررسی خواندن و دریافت متن ادبی به‌وسیله افراد روی آوردند. درواقع، این مکتب نوعی رویکرد نقد ادبی خواننده‌محور مبتنی بر نظریه دریافت است (Holub, 1993: 14).

همان‌طور که اشاره شد، نظریه دریافت نوعی از نقد ادبی خواننده‌محور است که کاربرد تاریخی دارد. هانس روبرت یاوس، منتقد و نظریه‌پرداز آلمانی، در مقاله خود در سال ۱۹۷۰ با عنوان «تاریخ ادبی در چالش با نظریه ادبی» تأکید کرد که در تفسیر هر متن ادبی باید تاریخ اجتماعی آن را در نظر گرفت؛ یعنی منتقدان باید بررسی کنند که خوانندگان معاصر هر متن چگونه آن را پذیرفته یا دریافت کرده‌اند. یاوس معتقد است خوانندگان هر متن در دوره‌های مختلف تاریخی برای خود معیارهایی جهت قضاوت درباب ابعاد زبانی، ادبی یا زیبایی‌شناسی آن دارند. او با استفاده از مفهوم «افق انتظار» برای اشاره به تمام واژگان و شیوه‌های انتقادی و چگونگی ارزشیابی یک متن در هر دوره تاریخی، معتقد است شیوه ارزشیابی یا افق انتظار هر متن از یک دوره تاریخی به دوره دیگر معمولاً تغییر می‌کند؛ مثلاً، یک اثر خاص یا تمام آثار نویسنده‌ای ممکن است در یک دوره بسیار پرطرفدار و مطلوب خوانندگان باشد، اما در دوره‌ای دیگر تمجید و دریافت خوب آن اثر خاص یا تمام آثار آن نویسنده کاهش یابد. از آنجاکه هر دوره تاریخی افق انتظار خودش را ایجاد می‌کند، ارزش و تفسیر کلی هر متن هرگز نمی‌تواند ثابت یا همگانی باشد. خوانندگان هر دوره آنچه را که در یک متن بارزش می‌دانند، برای خود تعیین و بدین‌گونه ذائقه زیبایی‌شناسی دوره خود را تثبیت می‌کنند؛ بنابراین، هر متن فقط و فقط یک تفسیر صحیح ندارد؛ زیرا معنی مفروض آن در هر دوره تاریخی متفاوت است و ارزشیابی قطعی و نهایی هر اثر ادبی غیرممکن می‌شود. اگر خوانندگان در دوره‌ای از یک اثر استقبال کنند، با خوانش‌های پیاپی خود در دوره‌های مختلف، حتی اگر با دریافت‌های مختلف باشد، مایه ماندگاری آن می‌شوند. خلاصه اینکه، برای درک معنی هر متن، دریافت خوانندگان معاصر آن و بررسی انتقادی دریافت تاریخی متن در دوره‌های مختلف زمانی، از جمله منتقدان معاصر متن و نیز آنانی که در حال حاضر

زندگی می‌کنند، ضروری است (Abrams and Harpham, 2015: 335-336; Bressler,)
 2011: 78; Dobie, 2015: 134; Jauss, 1970: 14-16).

در «افق انتظار» اهمیت تاریخی اثر، با توجه به کیفیت اثر یا نبوغ نویسنده آن مشخص نمی‌شود، بلکه با زنجیره دریافت از نسلی به نسل دیگر مشخص می‌شود. از نظر تاریخ ادبی، یاوس نوعی از تاریخ‌نگاری را تصور می‌کند که نقشی آگاهانه و میانجی بین گذشته و حال ایفا می‌کند. از مورخ دریافت ادبی خواسته می‌شود تا به‌طور مستمر با توجه به تأثیری که آثار معیار ادبی بر رویدادهای جاری دارند یا از آنها تأثیر می‌پذیرند، در آثار معیار تجدیدنظر کند. تفاسیر گذشته بخشی از ماقبل تاریخ تجربه حال شناخته می‌شوند.

از نظر یاوس، «افق» نظام یا طیفی از انتظارات را نشان می‌دهد که هر فرد از یک متن دارد. آثار مطابق با شکلی از افق انتظار خوانده می‌شوند. وظیفه محقق ادبی «عینیت‌بخشیدن» به این افق است تا بتواند ماهیت هنری اثر را ارزیابی کند. این کار زمانی به‌آسانی انجام می‌شود که اثر افق خود را به موضوع آن تبدیل کند، اما حتی آثاری که افق آنها کمتر مشخص است نیز با این روش قابل بررسی است. با مطالعه شرایط تاریخی، اجتماعی و ادبی یک اثر می‌توان افق انتظار احتمالی آن را در یک دوره خاص تاریخی ساخت. پس از تعیین افق انتظار، منتقد می‌تواند با اندازه‌گیری فاصله بین اثر و افق به تعیین شایستگی هنری اثر بپردازد. برای این کار، یاوس اساساً از یک الگوی انحراف‌گرایانه استفاده می‌کند. در این الگو، ارزش زیبایی‌شناختی هر متن به‌منزله تابعی از انحراف آن از یک هنجار معین دیده می‌شود. اگر انتظارات خواننده صرفاً نقض نشود، متن درجه دوم خواهد بود. اگر از افق عبور کند، نمونه اثر هنری برجسته خواهد بود، اگرچه ممکن است اثری از افق انتظار خواننده خود بگذرد و درعین حال عالی شناخته نشود. این امر از نظر یاوس هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا اولین تجربه انتظارات مختل شده تقریباً همیشه واکنش‌های منفی قوی را برمی‌انگیزد که برای خوانندگان بعدی ناپدید می‌شود. در دوره تاریخی بعد، با تغییر شرایط، افق هم تغییر می‌کند و آن اثر دیگر انتظارات را از بین نمی‌برد. در عوض، ممکن است به‌مثابه اثر کلاسیک شناخته شود؛ یعنی اثری که به ایجاد افق جدیدی از انتظار کمک کرده است (Holub, 1993: 15).

۱.۴. پیشینه پژوهش

برای ارائه پاسخ به سؤالات پژوهش، ابتدا لازم است پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده بررسی شود. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تاکنون پژوهشی تاریخی درباره دریافت مخاطبان فارسی‌زبان از متن ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی صورت نگرفته است؛ بنابراین، صرفاً به پژوهش‌های مرتبطی می‌پردازیم که به‌طور کلی با رویکردی تاریخی در حوزه دریافت متن در زبان فارسی صورت گرفته‌اند؛ به‌ویژه پژوهش‌هایی که در حوزه دریافت آثار ترجمه‌شده است؛ سپس، در بخش بحث و بررسی به آثاری می‌پردازیم که بدون اشاره به نظریه دریافت و مفهوم افق انتظار- و صرفاً با ارائه خوانش‌های مختلف، از جنبه‌های سبکی و محتوایی نیز به نقد و تحلیل سرگذشت حاجی بابای اصفهانی مبادرت کرده‌اند.

مطالعه نخست را کهنمویی پور و قنبری (۱۳۹۵: ۹۴ و ۱۱۳) درباره زیبایی‌شناسی دریافت گلستان سعدی نزد مترجمان فرانسوی آن انجام داده‌اند که در واقع دریافت مترجمان فرانسوی گلستان طی دوره‌های مختلف تاریخی در فرانسه را بررسی می‌کند. گلستان سعدی بارها به زبان فرانسوی ترجمه شده است. کهنمویی پور و قنبری با توجه به شرایط تاریخی و ویژگی‌های ادبی ترجمه‌ها و مفهوم افق انتظار که مفهومی کلیدی در زیبایی‌شناسی دریافت است دلایل توجه بخش مهمی از خوانندگان این اثر را بررسی کرده‌اند که نخست مترجمان آن در قرون مختلف بوده‌اند و نیز علل ماندگاری آن را در ادبیات فرانسه مطالعه کرده‌اند. گلستان سعدی نخستین بار در قرن هفدهم از فارسی به فرانسوی ترجمه شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان داده است که استقبال از این اثر در آن دوره عمدتاً به دلیل توجه اثر به مضامین اخلاقی بوده که با اهداف سیاسی دربار فرانسه و مفهوم «انسان شریف» تناسب داشته و با ارزش‌ها و ذائقه اجتماعی و ادبی فرانسه در قرن هفدهم تطبیق یافته بود. در قرن هجدهم و هم‌زمان با دوره روشنگری در فرانسه، خصوصیات فلسفی و انتقادی اثر و توجه آن به بحث عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق محرومان و اقشار فرودست مورد توجه خوانندگان فرانسوی قرار گرفت. در قرن نوزدهم، بعضی از ویژگی‌های ساختاری و مضامین مشترک آن با رمانتیسم غربی در کنار ابعاد واقع‌گرایانه در متن گلستان با افق انتظار خواننده فرانسوی هم‌خوانی دارد و نهایتاً در قرن بیستم مجموعه‌ای از تمام عوامل فوق سبب تداوم دریافت خواننده فرانسوی گلستان است. در نهایت، کهنمویی پور و قنبری، با توجه به مفهوم افق انتظار یاوس، نتیجه گرفته‌اند

که قالب و زبان ترجمه گلستان، جنبه‌های اخلاقی اثر، دیدگاه‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی، مضامین متنوع و واقع‌گرایی موجود در آن مطابق با افق انتظار خواننده فرانسوی طی قرون مختلف بوده است.

در تحقیق دوم، جلالی (۱۳۹۷: ۱۶۱) با استفاده از مفهوم افق انتظار یاوس به بررسی مواجهه و دریافت یک خواننده خاص، یعنی وصاف شیرازی، به‌منزله یکی از مهم‌ترین ادیبان و مورخان عصر مغول، از متن کلیله و دمنه پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داد که خوانش وصاف - که در دوره نابسامان مغول می‌زیست - از داستان‌های پندآموز و اخلاقی کلیله و دمنه با توجه به نوع گزینش حکایات و عبارات موجود در آن، که در متن تاریخ وصاف ذکر کرده، دریافتی نه صرفاً اخلاقی، بلکه کاملاً سیاسی و انتقادی است.

در پژوهشی دیگر، فارسیان و قاسمی (۱۳۹۹: ۵۱ و ۶۴)، به بررسی پذیرش (دریافت) ادبی (آثار) کریستین بوبن در ایران پرداختند. از آنجا که تاکنون ۳۸ عنوان اثر از نویسنده مذکور در ایران ترجمه شده است، پژوهشگران چنین نتیجه گرفته‌اند که در ایران استقبال ادبی خوبی از بوبن صورت گرفته است؛ بنابراین، با استفاده از مفهوم افق انتظار یاوس و روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال یافتن دلایل استقبال خوانندگان ایرانی و میزان سازگاری آثار ترجمه‌شده بوبن با ذائقه آنها بودند. در نهایت، پژوهشگران علاوه بر عامل بیرونی شهرت مترجمان و ناشران، از عواملی چون ویژگی‌های ادبیات عامه‌پسند در آثار بوبن (از جمله طرح مسائل روزمره، ساختار ساده، طرح مضامین درونی، احساسی و خانوادگی)، اثرپذیری از متون مذهبی، طرح عناصر طبیعت، مفاهیم عاشقانه و عشق‌ورزی، نقش دوره کودکی و... به‌عنوان عوامل مؤثر در استقبال ادبی خوب از (آثار) کریستین بوبن در بین خوانندگان ایرانی نام برده‌اند.

۵.۱. روش پژوهش

در حالی که پژوهشگران نقد ادبی خواننده‌محور، به‌طور کلی، به تحلیل تجربه هر نوع خواننده فرضی علاقه‌مندند، پژوهشگران نظریه دریافت، چگونگی دریافت خوانندگان واقعی از متون و چگونگی تکامل درک ادبی و خواندن در طول زمان را بررسی می‌کنند. در این مکتب، پژوهشگر یا منتقد ادبی معمولاً اسناد را بررسی می‌کند، از مقالات مروری معاصر آن اثر گرفته تا مقالات انتقادی که در طول نسل‌ها از اولین انتشار اثر نوشته شده‌اند یا خاطرات روزانه و اسنادی را که در آن خوانندگان برخورد خود را با آثار خاص توصیف کرده‌اند. همان‌طور که

تاریخچه نشر و کتاب وجود دارد، تاریخچه درک آثار ادبی و شیوه‌های خواندن نیز موجود است. انواع ادبی مختلف و آثار خاص، طبقات یا گروه‌های مختلف خوانندگان را ایجاد می‌کنند و آنها را مخاطب خود قرار می‌دهند. همچنین، برخی محققان برای بررسی خواندن، معیارهای کمی یافته‌اند، مانند آمار انتشار، فروش و امانت گرفتن یک اثر از کتابخانه گرفته تا استفاده از پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل نهایی آنها (Mays, 2019).

بنابر آنچه گفته شد، در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی و همچنین از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. برای این منظور، مراحل در نظر گرفته شده است: نخست، با جست‌وجو در منابع مختلف کتابخانه‌ای و برخط، آمار تقریبی انتشار داستان و تعداد ناشران، عمده مقالات پژوهشی، ادبی، و نقدهای موجود درباره ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی تهیه و گردآوری شد. سپس، ده اثر شاخص و مرتبط با دریافت‌های خوانندگانی که هر کدام به یک یا چند گروه شاعر، ادیب، پژوهشگر، نویسنده، مترجم، ایران‌شناس، و مورخ تعلق داشتند، انتخاب و بررسی شد. در مرحله تحلیل، عناوین آثار، نام نویسندگان، پژوهشگران و منتقدان به‌عنوان گروه خاصی از خوانندگان، و نیز متن مقالات با روش تحلیل محتوا بررسی شد تا مضامین (نوع انتظارات از عناصر زیبایی‌شناسی)، و دلایل استقبال/عدم استقبال خوانندگان در هر دوره زمانی استخراج و مشخص شود. در نهایت، با توجه به مفهوم افق انتظار و با در نظر گرفتن ذائقه ادبی این گروه از خوانندگان ایرانی در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی، دلایل استقبال ادبی بررسی شد.

۱.۵.۱. محدودیت‌های پژوهش

درباب محدودیت‌های پژوهش، ذکر این نکته ضروری است که پژوهشگر به تمامی جامعه آماری خوانندگان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی دسترسی نداشته است و چون انجام چنین کاری درباب هر اثری ناممکن است، صرفاً می‌توان پژوهش را به گروه خاصی از خوانندگان اثر محدود کرد. درعین حال، از آنجاکه افکار و دریافت‌ها (به‌خصوص در گذشته) قابل ثبت و ضبط نبوده‌اند، بررسی دیدگاه‌ها و افق انتظارات خوانندگان در طول تاریخ تنها از طریق نوشته‌های مکتوب آنها درباره اثر میسر است. در واقع، محدودیت کلی پژوهش‌های تاریخی موجب می‌شود تا پژوهشگر به‌جای روی آوردن به مشاهده یا مصاحبه مستقیم با افراد، از اسناد و مدارک تاریخی از جمله نوشته‌ها و مقالات آنها استفاده

کند و پژوهش حاضر هم از این قاعده مستثنی نیست؛ بنابراین، پژوهشگر بر آن شد تا حدود ۵۰ اثر پژوهشی، ادبی، مروری، انتقادی و... خوانندگان و صاحب‌نظران را درباره ترجمه فارسی حاجی‌بابا در طی ۸۰ سال گذشته بررسی کند. پژوهشگر به نسخه کامل برخی از موارد کل جامعه آماری (حدود ۵۰ اثر) دسترسی نداشته، اما خوشبختانه تمامی ۱۰ اثر منتخب و مورد استفاده در این پژوهش به‌طور کامل بررسی شده و از تحلیل محتوا برای یافتن مضامین، انتظارات و دریافت‌های پژوهشگران از متن ترجمه فارسی حاجی‌بابا استفاده شده است.

۲. خلاصه داستان

شخصیت اصلی داستان، حاجی‌بابا، متولد اصفهان، فرزند دلاکی است که هم سیمایی نیکو دارد و هم خوش‌بین و زرنگ و چرب‌زبان است و از قضا عاشق سفر و سیاحت هم هست. او نخست تمام ترفندهای دلاکی را از پدر و نیز تاحدودی سواد مکتب‌خانه‌ای را از ملای زادگاهش می‌آموزد، سپس به اتفاق تاجری اهل بغداد که عثمان‌آغا نام دارد به قصد تجارت عازم سفر مشهد می‌شود، اما از قضا راهزن‌های ترکمن راه بر او می‌بندند و به اسارت ایشان می‌افتد. در دوره اسارت، با شاعری به نام عسکر، که او هم اسیر راهزن‌ها شده، دوست می‌شود. سپس، به اتفاق راهزنان به کاروان‌سرای در اصفهان حمله و آن را غارت می‌کنند و به دنبال آن با ترفندی خود را از چنگ راهزنان می‌رهاند و راهی مشهد می‌شود. در آنجا شغل سقایی و تنباکوفروشی را برمی‌گزیند و با درویشان آشنا و از حال‌وروز ایشان باخبر می‌شود و از آنها دعانویسی و نقالی و معرکه‌گیری می‌آموزد. بعد از چندی، با دزدیدن اسب یک چاپار به تهران می‌رود و در آنجا دستیار طیب شاه می‌شود. در منزل حکیم‌باشی شاه، دلباخته کنیزی گرد به نام زینب می‌شود و به معاشقه و هم‌آغوشی با او می‌پردازد. مدت زیادی نمی‌گذرد که شاه به خانه میرزا حکیم‌باشی جلوس می‌کند و زینب پیشکش حرم شاهی می‌شود. پس از این اتفاق، حاجی‌بابا به لشکر شاه می‌پیوندد و نسقچی قشون می‌شود و همراه سپاهیان به مرز آذربایجان می‌رود تا عازم جنگ با روس‌ها شود. در سرحدات با مرد جوانی به نام یوسف ارمنی آشنا می‌شود و از حکایت عاشقانه او و نامزدش مریم مطلع می‌گردد. حاجی‌بابا دوباره به تهران برمی‌گردد و در این میان شاهد کشته‌شدن زینب، به جرم آبستن‌شدن است، و بدون آنکه برای نجات او کاری بکند، به‌خاطر جرمی که مرتکب شده، شبانه به اصفهان فرار می‌کند. وسط راه

درمی‌یابد که راز او فاش شده، در نتیجه به قم می‌رود تا در آنجا بست بنشیند. در قم با مجتهدی به نام میرزا ابوالقاسم ملاقات می‌کند و با وساطت و شفاعت او پیش شاه از مجازات خلاصی می‌یابد. پس از آن، توصیه‌نامه‌ای از میرزا می‌گیرد و دوباره عازم تهران می‌شود و به خدمت ملایی درمی‌آید. به خاطر اتفاقی که برای ملا می‌افتد دوباره آواره می‌شود، اما یک‌بار که فرصتی دست می‌دهد، با فریب‌دادن چند نفر، پولی به جیب می‌زند و به اتفاق کاروانی از راه کرمانشاه به بغداد می‌رود. در آنجا، دوباره مهمان عثمان‌آغا می‌شود که خود به‌تازگی از اسارت خلاص شده، و پس از چندی همراه او به قصد تجارت عازم استانبول می‌شود. در استانبول، به ظاهر اعتبار و آبرویی کسب می‌کند و به لطف آن، با بیوه‌ی یکی از ثروتمندان شهر ازدواج می‌کند، اما پس از اندکی، بی‌اصل‌ونسب‌بودن او آشکار می‌شود و در نتیجه مجبور می‌کند تا زن را طلاق دهد. حاجی‌بابا به قصد شکایت نزد میرزافیروز، سفیر ایران در استانبول، می‌رود. وقتی میرزافیروز داستان پرفرازونشیب او را می‌شنود، دلش به رحم می‌آید و برای منشی‌گری استخدامش می‌کند. سرانجام، حاجی‌بابا پس از مدتی به ایران بازمی‌گردد و به شغل دلالی برای مقامات دربار ایران و سفیران فرنگی می‌پردازد و از قضا از این راه شهرتی هم پیدا می‌کند و با مقام و ثروتی بادآورده به زادگاه خود بازمی‌گردد تا همراه میرزافیروز آماده عزیمت به انگلستان شود (Morier, 1824؛ جمالزاده، ۱۳۴۸).

۳. بحث و بررسی

در جدول ۱، نام ناشران، دفعات چاپ، سال انتشار و شمارگان (تقریبی) ترجمه فارسی سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی به قلم میرزاحیب اصفهانی طی ۱۱۸ سال گذشته در هندوستان و ایران ارائه شده است.

جدول ۱. ناشران، سال انتشار و حداقل شمارگان (تقریبی) ترجمه فارسی میرزاحبیب اصفهانی طی بیش از یک قرن گذشته

| شماره | ناشران (ترجمه فارسی میرزاحبیب اصفهانی) | سال انتشار | حداقل شمارگان |
|-------|--|------------|---------------|
| ۱ | انجمن آسیایی بنگال (کلکته - هند) | ۱۲۸۴ | * ۱۰۰ |
| ۲ | حبل‌المتین (کلکته - هند) | ۱۳۰۳ | * ۱۰۰ |
| ۳ | نامعلوم (چاپ تهران) | ۱۳۳۰ | * ۵۰۰ |
| ۴ | کتاب‌فروشی شهریار اصفهان | ۱۳۴۰ | * ۱۰۰۰ |
| ۵ | امیرکبیر (چاپ اول) | ۱۳۴۸ | ۲۰۰۰ |
| ۶ | انتشارات حقیقت (چاپ اول) | ۱۳۵۱ | * ۱۰۰۰ |
| ۷ | انتشارات حقیقت (چاپ دوم) | ۱۳۵۴ | * ۱۰۰۰ |
| ۸ | علمی | ۱۳۷۰ | * ۱۰۰۰ |
| ۹ | الست فردا | ۱۳۷۹ | * ۱۰۰۰ |
| ۱۰ | سمیر | ۱۳۷۹ | * ۱۰۰۰ |
| ۱۱ | نشر مرکز (چاپ اول) | ۱۳۷۹ | ۵۰۰ |
| ۱۲ | نشر مرکز (چاپ ششم) | ۱۳۸۷ | ۱۴۰۰ |
| ۱۳ | نگاه (چاپ اول) | ۱۳۸۸ | ۲۱۰۰ |
| ۱۴ | امیرکبیر (چاپ دوم) | ۱۳۹۸ | * ۵۰۰ |
| ۱۵ | شفیعی | ۱۳۹۸ | ۵۰۰ |
| ۱۶ | باهم | ۱۴۰۱ | * ۵۰۰ |
| ۱۷ | نگاه (چاپ ششم) | ۱۴۰۱ | * ۵۰۰ |
| ۱۸ | نشر مرکز (چاپ پانزدهم) | ۱۴۰۲ | * ۵۰۰ |

* شمارگان ستاره‌دار، تقریبی و براساس میانگین، هنجار دوره زمانی و شمارگان کتاب‌های مشابه در سال انتشار است. درباره میزان دقیق شمارگان و تعداد ناشران و دفعات چاپ کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی پیش از انقلاب اسلامی نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد. همان‌طور که می‌دانیم، پیش از انقلاب، ذکر شمارگان کتاب کمتر مرسوم بود و البته الزامی هم نبود و از طرفی به دلیل تعداد اندک قشر فرهیخته و کتاب‌خوان، شمارگان کتاب‌های حجیمی در حد پانصدصفحه مانند سرگذشت حاجی بابای اصفهانی چندان زیاد نبوده است. از سوی دیگر، نسخه‌های صوتی، برخط و الکترونیک هم مانند امروز در دسترس نبود و خرید کتاب کاغذی تنها راه دسترسی به متن داستان‌ها بوده است؛ بنابراین، براساس نسخ موجود و طی چاپ‌های مختلفی که پیش از انقلاب و از سال ۱۳۳۰ تا انقلاب اسلامی به طبع رسیده است، می‌توان تخمین زد که حداقل پنج‌هزار و شاید تا ده‌هزار نسخه از کتاب حاجی بابا تا پیش از انقلاب اسلامی به چاپ رسیده باشد که این خود حاکی از استقبال گسترده از این اثر در آن دوره است.

پس از انقلاب اسلامی، تخمین زده می‌شود که نشر مرکز به تنهایی حداقل ده‌هزار نسخه از ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی را طی بیست‌سال گذشته منتشر کرده است. نشر نگاه با حدود پنج‌هزار نسخه دومین ناشر پرشمارگان این کتاب بعد از انقلاب است. دیگر ناشران نیز در این مدت حداقل پنج‌هزار نسخه از کتاب حاجی بابا را منتشر کرده‌اند که در مجموع می‌توان گفت حداقل بیست‌هزار و با احتساب نسخه‌های غیرقانونی شاید تا پنجاه‌هزار نسخه از کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی بعد از انقلاب به چاپ رسیده که خود حاکی از استقبال گسترده از این اثر ترجمه‌شده است. باید به این هم توجه داشت که طی ۱۵ سال اخیر، با شکل‌گیری فناوری‌های برخط و الکترونیک، و عدم رعایت و اجرای قانون مالکیت حقوق معنوی، بسیاری از افراد به خواندن نسخه‌های رایگان الکترونیکی کتاب یا شنیدن فایل صوتی آن از طریق سامانه‌های برخط روی آورده‌اند. در نتیجه، تعداد خوانندگان این کتاب احتمالاً به ده‌ها هزار نفر می‌رسد.

مطابق آمار هرچند تقریبی جدول ۱، و با توجه به این حجم از انتشار، شمارگان و تجدید چاپ، - حتی بدون ذکر علل آن- می‌توان ادعا کرد که ترجمه فارسی داستان حاجی بابا طی هردو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی از دریافت ادبی بسیار خوبی در میان خوانندگان فارسی زبان برخوردار بوده است و همواره انتظارات خوانندگان را برآورده و در نتیجه فرضیه استقبال خوب از آن تأیید می‌شود؛ با این حال، پژوهش حاضر در ادامه به کمک مفهوم افق انتظار یاوس به این سؤال پاسخ خواهد داد که به چه دلایلی استقبال خوانندگان فارسی‌زبان از این اثر تا به این حد زیاد بوده و شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت خوانندگان پیش و پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است.

۱.۳. دریافت‌های دوره قبل از انقلاب

در این بخش، با ارائه مثال از آثار مختلف، دریافت‌های خوانندگان دوره قبل از انقلاب، مرتبط با افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی و نیز افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی تبیین خواهد شد. ذکر این نکته ضروری است که در تمام نقل‌قول‌ها از آثار هردو دوره قبل و بعد از انقلاب، تأکیدها از نویسنده مقاله حاضر است.

۱.۱.۳. افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی

یکی از نخستین نمونه‌های پیش از انقلاب درباب انتظارات مربوط به سبک و زیبایی‌شناسی از ترجمه سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی متعلق به محمدتقی بهار است که در جلد سوم کتاب سبک‌شناسی به رشته تحریر درآورده است. با توجه به اطلاعات ناقص و غیردقیقی که تا آن زمان درباره مترجم کتاب موجود بود، بهار ترجمه کتاب را (با تردید) به شیخ احمد روحی نسبت داده و درباره آن نوشته است:

و مشهور است که این کتاب را «روحی» از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است. قلمی که قدرت بر مجسم‌ساختن حکایات حاجی‌بابا کرده است از قادرترین و محکم‌ترین ساده‌نویسان آن عصر می‌باشد و هر قدر بر نویسنده اصلی این کتاب که بایستی آن را معجز هوش و فراست و یادداشت و گردآوری معلومات شرقی شمرد، آفرین و خه و احسنت رواست، بر این مترجم نیز بایست احسنت و آفرین گفت. نثر حاجی‌بابا گاهی در سلاست و انسجام و لطافت و پختگی مقلد گلستان، و گاه در مجسم‌ساختن داستان‌ها و تحریک نفوس و ایجاد هیجان در خواننده، نظیر نثرهای فرنگستان است. هم ساده است و هم فنی، هم با اصول کهنه‌کاری استادان نثر موافق و هم با اسلوب تازه و طرز نو هم‌داستان، و در جمله یکی از شاهکارهای قرن سیزدهم هجری است (بهار، ۱۳۲۱: ۳۶۷/۳-۳۶۶).

مینوی در گفتار هشتم از کتاب پانزده گفتار خود با عنوان «حاجی‌بابا و موریه»، این‌گونه از ترجمه میرزا حبیب تمجید می‌کند: «... این کتاب [حاجی‌بابا] به فارسی ترجمه شده است و مترجمش میرزا حبیب اصفهانی بوده و بسیار خوب انشا کرده است. اگر آن را نخوانده‌اید حتماً بخوانید، و اگر هم خوانده باشید به یک‌بار دیگر خواندن می‌ارزد» (مینوی، ۱۳۴۶: ۲/۲۸۳). داستان‌نویس چیره‌دست، جمالزاده، در متن دیباچه چاپ اول ترجمه فارسی حاجی‌بابا چاپ انتشارات امیرکبیر این ترجمه را چنین توصیف کرده است:

من ترجمه فارسی کتاب نامبرده را از شاهکارهای نثر فارسی (بلکه شاهکار آن شاهکارها) تشخیص داده بودم... چاپ و انتشار [ترجمه فارسی] این کتاب که از لحاظ اصل و ترجمه شاید بتوان آن را از آثار گران‌بهای ادبیات دنیایی و نمونه‌اعلی نثر فارسی به‌شمار آورد [در انتشارات امیرکبیر] به تأخیر افتاد (جمالزاده، ۱۳۴۸: پنج).

به‌علاوه، آرین‌پور در اثر ماندگار خود، *از صبا تا نیما*، درباره حاجی‌بابا نوشته است:

نثری که در ترجمه میرزا حبیب به کار رفته، از بهترین نثرهای عهد اخیر است. سرتاسر کتاب با اشعار مناسب از خود مترجم و استادان سخن فارسی و آیات و احادیث و امثال و اصطلاحات چنان مشحون و آراسته است که گویی در اصل به فارسی نوشته شده (آرین پور، ۱۳۵۰: ۴۰۰/۱). ناطق (۱۳۵۳) با دیدگاهی متفاوت تر و از زاویه‌ای دیگر به داستان حاجی بابا می‌نگرد:

در مشرق‌زمین [در بین فارسی‌زبانان] داستان حاجی بابا شهرتش را فقط مدیون ترجمه شیوا و زیرکانه میرزاحبیب اصفهانی است که توانسته است مفاهیم و معانی را تغییر دهد و از این قصه «استعمار» تا آنجا که میسر است قصه‌ای ضد استعمار بیافریند. میرزاحبیب از روشن‌فکران آزاداندیش زمان خویش بود. ... قلم او ... همواره وقف مبارزه با ظلم و استبداد گشت. از ترجمه‌ها و تألیفات نیز جز این نیتی نداشت و در راه همین نیت است که به‌عنوان مترجم هر جا که دستش می‌رسد اسامی را تغییر می‌دهد، متن را عوض می‌کند، از خود مایه می‌گذارد و سطرها در هر صفحه به متن اضافه می‌کند تا هر چه می‌تواند داستان را با اوضاع و احوال زمان خویش وفق دهد. ... اضافات در ترجمه فارسی میرزاحبیب بر چند نوع است: گاه سیاسی است. ... گاهی این اضافات را به‌منظور انتقاد از عوام‌فریبی و خرافات می‌آورد ... یا به‌منظور شناساندن «چاپلوسی و کوتاه‌سخنی» (ناطق، ۱۳۵۳: ۲۹-۲۲).

ویژگی مشترک دریافت تمام خوانندگان قبل از انقلاب ترجمه فارسی حاجی بابا تمجید از این نثر اعلا‌ی فارسی و توصیه به خواندن آن به‌عنوان شاهکار ادبی و اشاره به متن روان و منسجم آن است که هم ویژگی‌های برجسته متون کهن چون گلستان سعدی را دارد و هم از امتیازات متون امروزی بهره می‌برد.

۲.۱.۳. افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی

مینوی ضمن تحسین متن و محتوای اصل داستان و نیز ترجمه فارسی آن و نیز اشاره داستان به حوادث و رویدادهای تاریخی آن دوره، تا آنجا پیش می‌رود که انگار در حقیقت وجودی نویسنده اصلی داستان (موریه) تردید دارد:

در هر فصل و هر گفتاری از این هشتاد گفتار کتاب غرق حیرت و تحسین می‌شوید که عجب مرد مطلعی بوده و چگونه از اخلاق و عادات و الفاظ و تعبیرات ایرانیان خبر داشته است. بی‌اختیار به خود می‌گویید یک نفر انگلیسی که تمام مدت اقامت او در ایران شش سال بوده، ... و در آن مدت هم به کارهای سیاسی سفارت انگلیس مشغول بوده و با دولتی‌ها سروکار داشته، ... چگونه ممکن است تا این حد زبان فارسی را یاد گرفته باشد که مذاکرات کلیه اصناف

مردم ایران را بفهمد و نقل کند و به این اندازه به گنه اخلاق و عادات و طرز رفتار ایرانیان برسد و در انواع مختلف زندگانی یک ملت ناشناس که به زندگانی ملی خود او چندان دور و بی‌شبهت بوده است چنین وقوف و استحضاری به هم رساند؟ (مینوی، ۱۳۴۶: ۲۸۸/۲).

به علاوه، جمالزاده که خود از تحسین‌کنندگان اثر موریه بوده است در پاورقی متن دیباچه چاپ اول ترجمه فارسی حاجی بابا درباره محتوای متن و نیت نویسنده چنین می‌گوید: نویسنده سرگذشت حاجی بابای اصفهانی مقداری از اخلاق ایرانیان را از بد و خوب و مخصوصاً از آنچه به نظر فرنگی‌ها ناپسندیده است آورده است، ولی روی هم رفته گویا ایرانیان را با آن همه خوبی و بدی که دارند دوست هم می‌داشته است، و بیان رفتار و کردار و گفتار آنها برایش بی‌لذت هم نبوده است (جمالزاده، ۱۳۴۸: پنج-شش).

باین حال، آراین‌پور درباره محتوای حاجی بابا، با انتقاد از نویسنده اصلی نوشته است:

حاجی بابا کتابی است که آن را جیمز موریه به قصد انتقاد از ایرانیان و نمودن جهات زشت آداب و رسوم ایرانی به رشته تحریر کشیده است. ... کتاب حاجی بابا به صورت قصه و داستان نوشته شده و نویسنده در تصویر شخصیت‌ها و سرگذشت‌ها به قدر کافی توفیق یافته است، اما از حیث مطالب البته نویسنده قصد نداشته است که در کتاب خود از محاسن و فضایل قوم ایرانی و مفاخر گذشته ایران سخن بگوید،... چیزی که هست نویسنده در تحریر و تصویر همین معایب و مفاسد نهایت بی‌انصافی و غرض‌ورزی به خرج داده و ضعف اخلاقی بعضی از طبقات مردم ایران را خیلی بزرگ‌تر از آنچه در واقع بوده قلمداد کرده است. ... و چه بسیار کسان که به قول [ادوارد] براون از خواندن آن گمراه شده و همه ایرانیان را با آن صفاتی شناخته‌اند که موریه توصیف کرده است (آراین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۹۶/۱-۳۹۹).

شاید اوج شکایت از محتوای داستان موریه در مقاله ناطق پدیدار می‌شود، آنجاکه موریه را به پیچ‌ومهره‌های دستگاه استعمار و استبداد تشبیه و به نادرستی و دروغ‌پردازی متهم می‌کند: اگر همه کوشش مترجم حاجی بابا در این است که با هر نوشته و هر عبارتی دستگاه ظلم و ستم و حکام و ستمگران زمان خویش را به باد انتقاد گیرد و جامعه منحل و فاسد دوران خویش را بشناساند و مردم را آگاهی و بیداری بخشد، همه سعی و اهتمام نویسنده حاجی بابا در این است که به‌عنوان پیچ‌ومهره همین دستگاه، از هر رویدادی استفاده کند تا حق حاکمیت غرب و محکومیت شرق را به اثبات رساند و در این کوشش پیگیر برای حفظ منافع و موجودیت خویش و پایمال کردن حق و موجودیت دیگران آنچنان با جدیت و شتاب پیش می‌رود که گاهی در رفتار و کردار همزاد قهرمان خویش جلوه می‌کند. جیمز موریه در قالب

حاجی بابا می‌رود و بار دیگر داستان مسخ ستم‌پذیر به ستمگر و ستمگر به ستم‌پذیر تکرار می‌گردد. اگر شهرت [داستان حاجی بابا] بیش از سایر کتاب‌ها در این زمینه [شرق و شرقی‌ها] است از این رو است که این داستان تا اندازه‌ای آغاز ادبیات استعماری است. ... سرگذشت حاجی بابای اصفهانی برخلاف نظر بعضی از نویسندگان از جمله استاد مینوی تصویری از طبقات گوناگون ایران در عهد فتحعلی‌شاه نیست، بلکه بیشتر تصویری است از طرز زندگانی و آداب و رسوم طبقه‌ای خاص. شرح موقعیت و شرایط شهرت‌یابی و ارتقاء طبقه متوسط و خرده‌پای شهری است که در اثر عدم تأمین جانی و مالی می‌کوشند خود را از سلک محرومین دور سازند و برای حفظ منافع طبقاتی خویش به اولیای دولت بپیوندند. سرگذشت رجال تازه‌به‌دوران‌رسیده آن زمان است که جیمز موریه به‌عنوان کاردار سفارت انگلیس و منشی سفیر با آنان در تماس و در رابطه بود. ... سرگذشت حاجی بابا ... محصول همین آشنایی‌هاست. ... غرض جیمز موریه که در نادرستی و دروغ‌پردازی همزاد قهرمان خویش حاجی باباست، از نوشتن این داستان، نشان دادن سستی و ضعف دستگاه‌های حکومتی ایران، لزوم حمایت غرب از ایران، تحمیل سیاست استعماری انگلستان به ایران و توجیه نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان در ایران از لابه‌لای صلح‌نامه‌ها و عهدنامه‌هایی است که به دستگیری موریه به امضاء رسیده است (ناطق، ۱۳۵۳: ۳۰-۳۸).

درخصوص دریافت‌های مشترک محتوایی و تاریخی قبل از انقلاب از متن حاجی بابا می‌توان به ابراز تحیر از اشراف نویسنده به اخلاق و آداب و رسوم ایرانی و توفیق او در انتقاد از ابعاد زشت اخلاقی بعضی از طبقات مردم که به‌شکلی افراطی بیان شده است اشاره کرد که البته برخی افراد چون ناطق این انتقاد را تعمدی و با رویکردی سیاسی و استعماری شمرده‌اند.

۲.۳. دریافت‌های بعد از انقلاب

در این بخش، با ارائه مثال از مقالات مختلف به تبیین دریافت‌های گوناگون در دوره بعد از انقلاب در باب افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی و نیز افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی پرداخته می‌شود. آنچه با بررسی آثار منتشرشده در این حوزه جلب توجه می‌کند این است که پس از انقلاب اسلامی عمده پژوهش‌ها در باب حاجی بابا از اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد شمسی به بعد انجام شده‌اند که حاکی از یک دوره رکود پژوهشی بیست‌ساله (طی دوره انقلاب، جنگ تحمیلی و بازسازی پس از جنگ) است. این امر، همچنین با فاصله

شانزده سال بین آخرین چاپ ترجمه کتاب پیش از انقلاب و اولین چاپ مجدد آن بعد از انقلاب اسلامی تأیید می شود (ر.ک: جدول ۱).

۳.۲.۱. افق انتظار سبک و زیبایی شناسی

نخستین نقد شاخص در حوزه افق انتظار سبک و زیبایی شناسی بعد از انقلاب متعلق به کریمی حکاک (۱۳۷۸) است. البته، اصل مقاله او به انگلیسی و در سال ۱۹۹۸ میلادی (۱۳۷۷ خورشیدی) نوشته شده و مجدالدین کیوانی یک سال بعد آن را به فارسی ترجمه کرده است: از لحاظ کیفیت زیبایی شناسی، در میان همه ترجمه های سده نوزدهم، یک اثر برجستگی بیشتری دارد: ترجمه میرزاحبیب اصفهانی از «ماجراهای حاجی بابای اصفهانی» نوشته جیمز موریه. ... ترجمه حبیب اصفهانی که در ۱۸۸۶ میلادی از متن فرانسوی صورت گرفته از بسیاری جهات بی نظیر است. مترجم با استفاده از انواع تکنیک به این اثر حال و هوای بومی داده است: متن را به سبک محاوره ای نوشته، و ضرب المثل های فارسی بسیار به کار برده و در جای جای اثر شعر و طنز فارسی گنجانده است (کریمی حکاک، ۱۳۷۸: ۶۱-۶۲).

یونانی نیز ضمن اشاره به برجستگی متن حاجی بابا، به دلایل توفیق میرزاحبیب در ترجمه فارسی آن می پردازد:

زمانی که خواننده آشنا به زبان فارسی ترجمه میرزاحبیب اصفهانی را در دست می گیرد، برایش مشکل است که باور کند اصل این داستان به انگلیسی نوشته شده است. عمده ترین دلیل این مسئله برمی گردد به نوع ترجمه میرزاحبیب. او حاجی بابا را از تمامی جهات ایرانی کرده است و برای انجام این کار نه تنها با آزادی عمل به افزودن اشعار و اصطلاحات فراوانی از خود و دیگران به متن دست یازیده، بلکه در صورت لزوم از ترجمه پاره هایی از متن - که تشخیص داده موجب ملال خواننده ایرانی می شود - خودداری نموده است. بدین ترتیب، تجربه خواندن متن انگلیسی و ترجمه فارسی به هیچ وجه یکسان نیست و خواننده سخت چندانی میان زبان نسبتاً خشک متن انگلیسی و توصیفات دایره المعارف گونه آن، و زبان زنده و جاندار میرزاحبیب، که با اشعار و ترکیبات و اصطلاحات گوناگون فارسی غنای بسیار یافته است، نمی یابد (یونانی، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۴).

حدادیان مقدم در مقاله ای که اصل آن به انگلیسی (در سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱) منتشر و به قلم مصطفی حسینی به فارسی ترجمه شده، به نقش میانجی میرزاحبیب در ترجمه حاجی بابا پرداخته است:

اگرچه این ترجمه روی هم رفته چندان به متن وفادار نیست، در آزاد کردن زبان فارسی از نثر مصنوع دوره قاجاریه آموزنده است و نشان می‌دهد که میرزا[حبيب] در ترجمه نه خواننده دربار قاجار و طبقه باسواد را، بلکه خوانندگان عام را مدنظر داشته است. ... میرزا در تبعید به میانجی‌گری در ترجمه دست زد و به پیشرفت سیاسی، بیش از الزامات وفاداری به متن خارجی بها داد و با نوآوری بر سبک مصنوع نثر فارسی غالب شد (حدادیان مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۵). دهقانیان و جمالی در پژوهش خود این فرضیه قدیمی را به اثبات رسانده‌اند که میرزا حبيب اصفهانی در ترجمه سرگذشت حاجی بابا، میراث نویسندگی سنتی فارسی به‌ویژه از گلستان را به داستان‌نویسی جدید انتقال داده است:

شیوه نگارش میرزا حبيب در این ترجمه -که متن‌های گوناگون در آن حضور دارند- به‌گونه‌ای است که گویی متن‌های گذشته در این آخرین شعله نثر سنتی، با هم هم‌نوایی بزرگی را برپا کرده‌اند. در این میان، آثار سعدی به‌ویژه گلستان حضوری چشم‌گیرتر دارد. میزان ارجاعات ترجمه سرگذشت حاجی بابا به گلستان و وام‌گیری‌های میرزا حبيب از این اثر، نقش زبان و اسلوب بیانی سعدی را در شکل‌گیری شیوه نگارش و طرز بیان میرزا حبيب آشکار می‌سازد. ... [ترجمه حاجی بابا] در دوره گذار نویسندگی فارسی و به‌منزله پلی از سنت به مدرنیته است (دهقانیان و جمالی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۲).

آذرنگ نیز در کتاب تاریخ ترجمه در ایران درباره سبک و زیبایی‌شناسی ترجمه میرزا حبيب می‌نویسد:

نوشته موریه ... به زیباترین، شیواترین و هنرمندانه‌ترین بیان ممکن در زمان خود به فارسی برگردانده شده است. ... [میرزا حبيب] بنا به موقعیت‌های داستانی، به بازنگری دست زده و در نتیجه بسیاری از قسمت‌ها را از متن اصلی، که به انگلیسی است، گویاتر و شیواتر از کار درآورده است. میرزا حبيب در متن هم تصرف کرده و نکته‌هایی به آن افزوده است. ... شماری واژه، اصطلاح، عبارت و ترکیب را از زبان محاوره‌ای مردم عادی کوچه و بازار برگرفت. از میان ضرب‌المثل‌های رایج، بهترین، بجاترین و گویاترین را برگزید. از هنرهای کلامی در زمینه سجع‌سازی، قافیه‌بندی و موزون‌تراشی با تسلط کامل استفاده کرد. ترکیب‌های فراوان، کم‌نظیر و بی‌مانندی به کار برد... و همه اینها را با نثری در ترجمه به‌کار بست که... در شمار نثرهای خلاقانه و طراز اول زبان فارسی جای می‌گیرد. مجموع این ویژگی‌ها در ترجمه حاجی بابای اصفهانی سبب شد که... تحولی در نثر ترجمه و نگارش به زبان فارسی به‌بار بنشیند (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۲۹۴-۲۹۶).

وجه اشتراک تمام دریافت‌های سبکی و زیبایی‌شناسی بعد از انقلاب، اشاره به برجستگی کیفی و بی‌نظیر متنی بومی‌شده است که هم برای خواننده عام حالت محاوره‌ای و قابل‌فهم دارد و هم مزین به شعر و ادب فارسی به‌خصوص وام‌گیری از *گلستان* سعدی برای جلب‌نظر خواص است. به‌اعتقاد این صاحب‌نظران، جان‌بخشیدن مترجم به متن با حذف و اضافات و خلاقیتی که به خرج داده مایه تحول و نوآوری در سبک نثر فارسی شده است.

۳.۲.۲. افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی

در این بخش نیز نخست به ارائه دیدگاه کریمی‌حکاک می‌پردازیم که اثر موریه را انتقادی تند اما واقع‌گرایانه می‌داند:

... کتاب [داستان حاجی‌بابا] موریه، که در ۱۸۲۴ میلادی نوشته شده، از جامعه ایرانی بسیار تند انتقاد کرده، و به‌عنوان اثری واقع‌گرایانه هیچ‌گاه مورد پذیرش ایرانیان نبوده است. ... شیوه کار [ترجمه فارسی میرزاحیب] چنان موفق بود که پس از اندک زمان این نظریه پیدا شد که کار موریه احتمالاً براساس اصلی فارسی نوشته شده است. از آنجاکه نظریه مذکور این تسکین خاطر را به ایرانیان می‌داد که انتقاد موردنظر شاید از سوی یک ایرانی صورت گرفته باشد، قوت و اعتباری پیدا کرد. این نظریه اکنون به کلی رد شده است (کریمی‌حکاک، ۱۳۷۸: ۶۲).

درواقع، کریمی‌حکاک همان‌گونه که نقد موریه را بسیار تند ارزیابی کرده، اما آن را واقع‌گرایانه می‌داند و در نتیجه پیدایش نظریه نسخه اصلی فارسی را صرفاً تسلی و تسکین خاطر برای ایرانیان می‌داند که سعی در توجیه انتقاد گزنده موریه دارند. برخلاف کریمی‌حکاک، بوبانی داستان *حاجی‌بابا* موریه را «از نمونه‌های بسیار شاخص ادبیات استعماری» می‌داند. مقاله او، اگرچه به‌طور خاص درباب متن اصلی موریه است، در بخش‌هایی به ترجمه فارسی میرزاحیب و موفقیت او در تغییر پیام و محتوای آن به متنی ضداستبدادی نیز می‌پردازد، از جمله:

میرزاحیب، که به‌خاطر آزادی‌خواهی و وطن‌دوستی مجبور به ترک ایران گشته بود، از متنی استعماری نوشته‌ای ضداستبدادی آفریده است. او برای انجام این کار به شیوه‌های گوناگون به هجو حکومت قاجار پرداخته و در این میان بیش‌ازهمه به چاپلوسی‌ها و عوام‌فریبی‌ها تاخته است. از طریق این نوع اضافات و هجویه‌های سیاسی و ادبی، میرزاحیب راه خود را تا حدزیادی از موریه جدا کرده است و با ترجمه خویش نه‌تنها استبداد حکومتی را محکوم نموده، بلکه استبداد زبانی را هم با چیره‌دستی درهم شکسته و در کالبد مرده زبان فارسی جانی تازه دمیده است (بوبانی، ۱۳۸۷: ۲۴).

حدادیان مقدم در خصوص محتوا و تأثیر شرایط اجتماعی ترجمه میرزا حبیب معتقد است: با توجه به موقعیت میرزا [حبیب] در تبعید، ... در ترجمه روشی را برگزیده است که به او اجازه می‌دهد معنا را تقویت و فساد طبقه حاکم و فقر فراگیر و عوام‌فریبی مذهبی در ایران آن روزگار را برجسته سازد. افزایش و کاهش در روش ترجمه میرزا دلایل سیاسی دارد و گمان می‌رود که میرزا با این کار امیدوار بوده تا خواننده ایرانی را علیه حکومت قاجار تحریک کند؛ هدفی که بی‌تردید به بار نشسته است. ... برای میرزا، مترجم در تبعید، انتخاب کارکرد سیاسی، احتمالاً تنها راهی بوده که از طریق آن می‌شده است حتی با وجود تهدید از جانب طبقه حاکم در ایران، دست به میانجی‌گری زد. این به معنی پشت‌پازدن به اخلاق نیست... میانجی‌گری او از جنس تبعید و آزادی‌بخش و در ضمن سیال بود (حدادیان مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۲-۱۳۳).

آذرنگ با بیان اینکه پی‌بردن به نیت اصلی موریه غیرممکن است و با توجه به این نکته که او کتاب را به زبان انگلیسی و برای خواننده غیرایرانی نوشته و حاصل کار او از طریق ترجمه آن به فارسی در ایران تأثیر گذاشته، در خصوص محتوا و تأثیر اجتماعی ترجمه میرزا حبیب می‌نویسد: همین ترجمه به‌دست آزادی‌خواهان، مخالفان استبداد سیاسی و فساد اجتماعی و اخلاقی، گروه‌های ضد دولت وقت، دگراندیشان و روشن‌فکران افتاد و آنها از آن بسان حربۀ کوبنده‌ای به هر طریق که می‌توانستند برضد حکومت و اوضاع و احوال جاری استفاده کردند و داغ دل را از زبان یک فرنگی بیان کردند. هم‌آوازی مترجم، مروّجان و خوانندگان کتاب هم در عمل نشان داد که جامعه باسواد و منتقد پیام کتاب را به‌خوبی دریافت کرده بود. دریافت این پیام به همان صورتی که رخ داده بود شاید همان نیت اصلی نویسنده بوده باشد (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۲۹۵).

به‌رغم اینکه بسیاری از منتقدان داستان موریه را از نمونه‌های بارز ادبیات استعماری می‌دانند که موجب تقویت استبداد می‌شود، از نظر آذرنگ، موریه نیتی ضد استبدادی داشته است. درباره دریافت‌های محتوایی و تاریخی متن در دوره پس از انقلاب هم می‌توان به ذکر دلیل برای انتقاد تند نویسنده اشاره کرد که برخی آن را واقع‌بینانه و برخی عامدانه، تخریبی و استعماری دانسته‌اند. به‌علاوه، همه صاحب‌نظران ترجمه موفق میرزا حبیب را ضد استبدادی و آگاهی‌بخش دانسته‌اند که این امر ناشی از انگیزه‌های درونی و شرایط تبعید او بوده است و برخی چون آذرنگ با اشاره به ترجمه ضد استبدادی میرزا حبیب، نیت موریه را از احتمال سوءبودن تبرئه کرده‌اند.

۳.۳. مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت، پیش و پس از انقلاب اسلامی

از آنجاکه پژوهش حاضر، چه در مقام مقایسه دو دوره تاریخی و چه به لحاظ بررسی نظرهای مختلف در باب ترجمه یک اثر ادبی، ماهیت تطبیقی (مقایسه‌ای) دارد، و نیز در پاسخ به پرسش سوم این پژوهش، در ادامه به مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت‌ها در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته شده است. برای این منظور، ابتدا با ذکر مضامین اصلی در جداول ۲ و ۳ به مقایسه دریافت‌های ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران می‌پردازیم.

جدول ۲. مقایسه افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابا پیش و پس از انقلاب اسلامی

| شماره | دریافت‌های قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۲۱-۱۳۵۷) | دریافت‌های بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۹۵) |
|-------|---|--|
| ۱ | ساده‌نویسی و فنی‌نویسی، ترکیبی از سبک کهنه و نو بهار (۱۳۲۱) | برجسته‌ترین اثر قرن ۱۹، با متن محاوره‌ای و استفاده بسیار از ضرب‌المثل و شعر و طنز فارسی کریمی حکاک (۱۳۷۸) |
| ۲ | نگارش قوی و توصیه اکید به خواندن داستان مینوی (۱۳۴۶) | دشواری باور به اینکه اصل داستان انگلیسی است، نوع ترجمه میرزاجیب حاجی بابا را از تمامی جهات ایرانی کرده بویانی (۱۳۸۷) |
| ۳ | اثری گرانبها از ادبیات دنیایی و شاهکار نثر فارسی جمال زاده (۱۳۴۸) | خواننده عام را مدنظر داشته، نوآوری کرده و زبان فارسی را از نثر مصنوع دوره قاجار آزاد کرده است حدادیان مقدم (۱۳۹۳) |
| ۴ | استفاده از آرایه‌های ادبی، آیات، احادیث، اصطلاحات و تأکید بر بینامتنیت اثر، انگار که ترجمه نیست آربن‌پور (۱۳۵۰) | بینامتنیت، هم‌نوایی بزرگ متن‌های گوناگون، ارجاع و وام‌گیری از گلستان سعدی، گذار نویسنده‌گی فارسی از سنت به مدرنیته دهقانیان و جمالی (۱۳۹۳) |
| ۵ | مترجم سطرهایی در هر صفحه به متن اضافه می‌کند، اضافات او با هدف سیاسی، انتقادی و ادبی است ناطق (۱۳۵۳) | تصرف در متن با استفاده از زبان محاوره، ضرب‌المثل، از جمله نثرهای خلاقانه و طراز اول، تحول در نثر فارسی آذرنگ (۱۳۹۵) |

جدول ۳. مقایسه دریافت‌های افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران

| شماره | دریافت‌های قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۲۱-۱۳۵۷) | دریافت‌های بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۹۵) |
|-------|---|--|
| ۱ | بهار (۱۳۲۱) ----- (فاقد نظر) | نقد خیلی تند اما واقع‌گرایانه از جامعه ایرانی، این نظر که کار موریه بر اساس اصلی فارسی است، برای تسکین خواننده است کریمی حکاک (۱۳۷۸) |
| ۲ | شگفتی از آگاهی نویسنده، چگونه ممکن است نویسنده تا این حد به کُنه اخلاق و عادات و رفتار ایرانیان برسد؟ مینوی (۱۳۴۶) | مترجم متن استعماری را ضداستبدادی کرده، نه تنها استبداد حکومتی بلکه استبداد زبانی را هم درهم شکسته است پویانی (۱۳۸۷) |
| ۳ | در مجموع، نویسنده ایرانیان را با آن همه خوبی و بدی که دارند دوست هم می‌داشته جمالزاده (۱۳۴۸) | مترجم میانجی‌گری کرده و با افزایش و کاهش در ترجمه معنا را تقویت و فساد طبقه حاکم را برجسته کرده است حدادیان مقدم (۱۳۹۳) |
| ۴ | نهایت بی‌انصافی و غرض‌ورزی نویسنده و بزرگ‌نمایی و تصویر اشتباه از ضعف اخلاقی بعضی از طبقات مردم ایران آرین‌پور (۱۳۵۰) | ----- (فاقد نظر) دهقانیان و جمالی (۱۳۹۳) |
| ۵ | مترجم به دنبال آگاهی و بیداری مردم (ضد استبداد) اما نویسنده ضدشرق و دنبال حق حاکمیت غرب (آغاز ادبیات استعماری) و توجیه نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان است ناطق (۱۳۵۳) | ترجمه بر ضد حکومت و اوضاع و احوال زمانه بود، جامعه باسواد و منتقد، پیام کتاب را به‌خوبی دریافت و شاید این همان نیت اصلی نویسنده بوده است آذرنگ (۱۳۹۵) |

۱.۳.۳. مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت‌های مبتنی بر افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی

جدول ۲ حاکی از آن است که شباهت‌های افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی در هر دو دوره بیش از تفاوت‌های آنها است. نثر به‌کاررفته در متن حاجی‌بابا به‌اتفاق آراء در هر دو دوره هدف تحسین و ستایش قرار گرفته و شاهکاری برجسته و ماندگار نامیده شده است. اشاره به روانی و انسجام متن و شباهت آن به نثر مسجع گلستان از دیگر شباهت‌ها در هر دو دوره است. نوآوری سبکی در متن، در کنار توجه به سبک قدما و ذکر اینکه اضافات میرزا حبیب نه صرفاً ادبی، بلکه عمدتاً سیاسی است در هر دو دوره مورد توجه منتقدان واقع شده است، اما پس از انقلاب، علاوه بر اشاره به ویژگی‌های متن، به اهمیت مخاطب و ذکر اینکه آفرینش متن ترجمه به‌شکلی بوده که مخاطب عام را خطاب قرار دهد محل تأکید است. برخی دریافت‌های بعد از انقلاب به این امر توجه کرده‌اند که میانجی‌گری مترجم با حذف و اضافه هدفمند و ارجاع‌دادن او به متون مختلف جانی تازه در نثر فارسی دمیده و سبکی خاص و بی‌نظیر ایجاد کرده که

پلی بین گذشته و حال است. نکته جالب توجه این است که به نظر می‌رسد عمده خوانندگان و صاحب‌نظران قبل از انقلاب متن ترجمه را به‌مثابه اثر یک نویسنده در نظر گرفته‌اند، در حالی که عمده خوانندگان بعد از انقلاب به ترجمه‌بودن آن توجه بیشتری داشته‌اند.

در چالش بین صورت و محتوا، آن‌گونه که کریم امامی (۱۳۵۳: ۵۰) معتقد است، شاید میرزاحیب با تغییراتی که در الفاظ کتاب و صورت آن ایجاد کرده، دقیق و امانت‌دار نبوده است، اما ترجمه‌ای کاملاً روان و موفق را به خواننده ارائه داده و در عمل به روح کتاب وفادار بوده است.

۳.۲. مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت‌های مبتنی بر افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی

مطابق جدول ۳، در هردو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی عموماً از نویسنده اصلی متن انتقاد شده و خوانندگان تصویری را که موریه از جامعه ایران و اخلاق و آداب و رسوم ایرانی ارائه کرده است غیرمنصفانه، افراطی و اغراق‌آمیز ارزیابی کرده‌اند؛ با این حال، به نظر می‌رسد انتقاد از نویسنده پیش از انقلاب بیشتر بوده و سیر تحولات تاریخی در جامعه ایران حاکی از آن است که پس از دهه ۴۰، که جمالزاده (۱۳۴۸) معتقد بود که نویسنده انگلیسی در مجموع ایرانیان را دوست می‌داشته، هرچه به سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم و شاید با تأثیرپذیرفتن از احساسات انقلابی و ضداستعماری آن دوره، بر شدت و دامنه انتقادات از نویسنده و به‌طور کلی سیاست‌های استعماری غرب افزوده می‌شود. اوج این نوع دریافت در گفتمان آربین‌پور (۱۳۵۰) و ناطق (۱۳۵۳) به‌وضوح قابل رؤیت است. البته، با وجود اینکه بیشتر منتقدان در هردو دوره این کار موریه را عامدانه و در جهت تأمین اهداف استعماری و ژئوپولیتیک دولت انگلستان دانسته‌اند، برخی از خوانندگان بعد از انقلاب (کریمی حکاک، ۱۳۷۸)، دیدگاه موریه را واقع‌بینانه می‌پندارند و طرح نظریه ایرانی‌بودن نویسنده را اعتراف ضمنی به پذیرفتن برخی دیدگاه‌های نویسنده اصلی از نظر خواننده ایرانی می‌دانند. از سوی دیگر، بیشتر صاحب‌نظران ترجمه میرزاحیب را آزادی‌خواهانه، آگاهی‌بخش و ضداستبدادی ارزیابی کرده‌اند. اینکه چگونه متنی به زبان انگلیسی و با اهداف استعماری، پس از ترجمه آن به فارسی، غرض خود را نقض کرده و مایه آگاهی مردم از ماهیت استبدادی و فاسد حکومت‌های تحت سلطه اجنبی شده، در دوره‌های مختلف به‌شکل متفاوتی دریافت شده است. قبل از انقلاب، یا با فرض گرفتن یک نویسنده/متن اصلی ایرانی، به‌کل وجود نویسنده استعماری انکار شده یا سعی شده است که انتقاد تند موریه کم‌اهمیت تلقی یا تلطیف شود. البته، برخی افراد پیش از انقلاب

هم با اشاره به ماهیت استعماری متن اصلی، نویسنده را به دروغ‌پردازی متهم کرده‌اند (ناطق، ۱۳۵۳). از جمله دریافت‌های دوره پساانقلاب، اشاره به این نکته است که ترجمه میرزاحیب، علاوه بر تخطئه استبداد حکومتی، سبب شکسته‌شدن استبداد زبانی هم شده است. برخی نیز معتقدند تأثیر میرزاحیب در جایگاه مترجم تبعیدی و تأثیر دریافت خود او از متن اصلی، بر کارکرد سیاسی اثری که آفریده، موجب شد تا دگراندیشان و روشن‌فکران مشروطه و پس از آن نیز از آن اثر چنان دریافتی داشته باشند.

۴. نتیجه‌گیری

توجه به نقش مترجم در «دریافت» چنین اثری در ادبیات فارسی حائز اهمیت است. خود میرزاحیب در مقدمه ترجمه‌اش اشاره دارد که آن را با زبانی قابل فهم برای عوام و مورد پسند خواص و با استفاده از اصطلاحاتی شناخته شده و مشهور ترجمه کرده است. آنجا که سخن از دریافت سبک و زیبایی‌شناسی است، اغلب صاحب‌نظران به متن ترجمه و توانایی مترجم در انتقال و ایجاد سبک و ظرایف زیبایی‌شناسی اشاره می‌کنند و هرچاکه سخن از دریافت محتوا و تاریخ اجتماعی است، در عین تحسین مترجم در انتقال محتوا، به اهداف و نیت نویسنده انتقاد دارند. آنچه در این پژوهش تبیین شده، تفوق مترجم بر نویسنده است که معمولاً در بسیاری از آثار ترجمه‌شده ممکن نیست؛ یعنی نه تنها نقش مترجم در نوع دریافت سبک و زیبایی‌شناسی خواننده فارسی کاملاً واضح است، بلکه میرزاحیب با هنرمندی و درایت توانسته نقش نویسنده اصلی را در آفرینش برخی مضامین و محتوای داستان نیز تحت الشعاع قرار دهد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی، خوانندگان ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی دریافت‌ها و انتظارات بسیاری از این متن داشته‌اند که عمدتاً شبیه به هم و گاه خیلی متفاوت بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی است افرادی که آثارشان بررسی شد، پس از خواندن ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، انتظارات سبکی و زیبایی‌شناسی‌شان برآورده شده است؛ چراکه اغلب آنها اظهار کرده‌اند که ترجمه فارسی حاجی بابا برجسته و شاهکار بوده است؛ یعنی در واقع دریافت آنان از این اثر فراتر از افق انتظارشان بوده است. حتی افرادی که ممکن است انتظارشان از جنبه

محتوا و تاریخ اجتماعی با خواندن متن اصلی (به زبان انگلیسی) برآورده نشده، یا به چالش کشیده شده باشد، با خواندن ترجمه فارسی میرزاحیب این انتظارشان نیز برآورده شده است. برخلاف برخی خوانندگان متن انگلیسی که بعضاً متن داستان موریه را خشک و توضیحات آن را خسته کننده و دایره المعارف گونه توصیف کرده اند و احتمالاً انتظارات سبکی و زیبایی شناختی شان برآورده نشده، تمام خوانندگان ترجمه فارسی به زیبایی، پویایی، سلاست و بلاغت متن ترجمه فارسی میرزاحیب معترفند و در نتیجه افق انتظارشان از این جنبه در هردو دوره برآورده شده است؛ بنابراین، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی طی هردو بازه زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه ذائقه ادبی و مطابق انتظارات ادیبان، منتقدان و پژوهشگران بوده و با گذشت زمان، همچنان مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته است. برخی تفاوتها در دریافت خوانندگان در دو دوره مختلف تاریخی موجب تکامل درک ما از متن ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی می شود. پژوهشگران آتی می توانند دریافت تاریخی آثار مشابه یا متفاوت را ارزیابی و شباهت ها و تفاوت های یافته های خود را با پژوهش حاضر بررسی کنند. پژوهشگران بعدی با استفاده از پرسش نامه یا مصاحبه با خوانندگان می توانند به مقایسه دریافت کنونی متن حاجی بابا با دریافت تاریخی آن و نیز در میان گروه های مختلف خوانندگان عام یا خاص اقدام کنند.

با مطالعه فرامتن تاریخی، اجتماعی و ادبی اثر می توان برای ساختن افق انتظار احتمالی آن در یک دوره خاص تاریخی استفاده کرد و در این میان نقش پژوهشگر ادبی «عینیت بخشیدن» به این افق است تا بتواند ماهیت هنری اثر را ارزیابی کند. به نظر می رسد خوانش های پیاپی خوانندگان از نسلی به نسل دیگر حاکی از اهمیت تاریخی داستان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در هردو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی و استقبال خوب آنها در هردو دوره بوده است، و اگرچه دریافت ها گاه مختلف بوده، ماندگاری این اثر تضمین شده است. مطابق نظریه دریافت یاوس، منتقد ادبی همواره باید با توجه به تأثیری که آثار برجسته ادبی بر شرایط و رویدادهای جاری دارند یا تأثیری که از آنها می پذیرند، در آثار معیار تجدیدنظر کند. باین وصف، می توان ادعا کرد با توجه به تأثیرگذاری ترجمه داستان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در هردو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی، این اثر کماکان در دوره معاصر هم یکی از آثار معیار، ماندگار و محبوب فارسی خواهد ماند.

پی‌نوشت

1. James Justinian Morier
2. The Adventures of Hajji Baba of Ispahan
3. Picaresque
4. Genre
5. Histoire de Gil Blas de Santillane
6. Alain-René Lesage
7. Reception
8. Horizon of expectations
9. Hans Robert Jauss
10. Reader-oriented criticism
11. Structuralism
12. Subjective Criticism
13. Phenomenology
14. Gerald Prince
15. Jonathan Culler
16. Hermeneutics
17. Emilio Betti
18. Eric Donald Hirsch
19. Martin Heidegger
20. Hans-Georg Gadamer
21. Stanley Fish
22. George Poulet
23. Wolfgang Iser

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۵). *تاریخ ترجمه در ایران: از دوران باستان تا پایان عصر قاجار*. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
- آرین پور، یحیی (۱۳۵۰). *از صبا تا نیما*. جلد اول. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- امامی، کریم (۱۳۵۳). *درباب ترجمه عام‌فهم و خاص‌پسند حاجی بابا*. کتاب امروز. شماره ۸: ۴۳-۵۲.
- بویانی، فرزاد (۱۳۸۷). *جیمز موریه، حاجی بابا و ادبیات استعماری*. پژوهش زبان‌های خارجی. شماره ۴۳: ۲۷-۵.
- بهار، محمدتقی (۱۳۲۱). *سیک‌شناسی*. جلد سوم. تهران: وزارت فرهنگ.
- جلالی، محمدمیر (۱۳۹۷). *تحلیل بازتاب کلیله و دمنه در مجلدات پنجگانه تاریخ و صاف از منظر نظریه دریافت*. متن پژوهی/ادبی. سال بیست‌ودوم. شماره ۷۷: ۱۴۳-۱۶۳.

جمالزاده، محمدعلی (۱۳۴۸). دیباچه. در: سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه. ترجمه میرزا حبیب اصفهانی. تهران: امیرکبیر. پنج-بیست.

حدادیان مقدم، اسماعیل (۱۳۹۳). میانجی‌گری در ترجمه و انتشار ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. ترجمه مصطفی حسینی. ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). شماره ۹: ۱۰۷-۱۴۰.

دهقانیان، جواد؛ جمالی، صدیقه (۱۳۹۳). تأثیر گلستان سعدی بر ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. متن‌شناسی/ادب فارسی. سال ششم. شماره ۳: ۲۱-۳۶.

فارسیان، محمدرضا؛ قاسمی، فاطمه (۱۳۹۹). پذیرش ادبی کریستین بوبن در ایران. پژوهش‌های ادبیات تطبیقی. سال هشتم. شماره ۲: ۴۷-۶۷.

کریمی حکاک، احمد (۱۳۷۸). تاریخچه ترجمه در ایران. مترجم. ترجمه مجدالدین کیوانی. شماره ۲۹: ۶۵-۵۲.

کهنمویی پور، ژاله؛ قنبری، منیژه (۱۳۹۵). زیباشناسی دریافت گلستان سعدی نزد مترجمان فرانسوی آن. پژوهش ادبیات معاصر جهان. شماره ۲۱: ۹۳-۱۱۶.

ملکشاهی، مرضیه؛ خزاعی فرید، علی (۱۳۹۶). رویکردی نو از طریق ترجمه برای تحلیل تاریخی انتقال گفتمان‌ها و نظریه‌ها. مطالعات زبان و ترجمه. دوره پنجاهم. شماره ۴: ۱-۲۴.

مینوی، مجتبی (۱۳۴۶). بانزده گفتار. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

ناطق، هما (۱۳۵۳). حاجی موریه و قصه استعمار. الفبا. شماره ۴: ۲۲-۴۹.

Abrams, Meyer H. and Geoffrey G. Harpham (2015). *A glossary of literary terms*. Stamford: Cengage learning.

Amanat, Abbas (2003). *Hajji Baba of Ispahan*, Encyclopædia Iranica XI/6, 2003, pp. 561-568; available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/hajji-baba-of-ispahan>.

Bressler, Charles E. (2011). *Literary criticism: An introduction to theory and practice*. London and New York: Pearson.

Brown, Meg H. (1994). *The Reception of Spanish American Fiction in West Germany*, pp. 1981-91. Tübingen: Niemeyer.

Dobie, Ann B. (2015). *Theory into practice: An introduction to literary criticism*. Stamford: Cengage learning.

Hatim, Basil and Jeremy Munday (2004). *Translation: An Advanced Resource Book*. London and New York: Routledge.

Holub, Robert C. (1993). Constance School of Reception Aesthetics [Reception Theory] In *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*:

- Approaches, Scholars, Terms*, edited by Irena Makaryk. Toronto: University of Toronto Press, 1993, pp. 14-18. <https://doi.org/10.3138/9781442674417-006>.
- Jauss, Hans R. (1970). Literary History as a Challenge to Literary Theory. *New Literary History*, Vol. 2, No. 1, A Symposium on Literary History (Autumn, 1970), pp. 7-37. Baltimore, MD: The Johns Hopkins University Press.
- Jauss, Hans R. (1982). *Toward an Aesthetic of Reception, translated from German* by T. Bahti, Brighton: Harvester Press.
- Mays, Kelly J. (2019). *The Norton Introduction to Literature*. Shorter 13th Edition. P. A15. London and New York: WW Norton & Company.
- Morier, James J. (1824). *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. 3 Vols. 1st Ed. London: John Murray.
- Munday, Jeremy (2016). *Introducing Translation Studies*, 4th Ed. London and New York: Routledge.

References in Persian

- Âryanpour, Yahyâ (1971). *From Sabâ to Nimâ*. Vol. 1. 1st Ed. Tehrân: Sherkat-e Sahâmiy-e Ketabhay-e Jibi. [In Persian]
- Âzarang, Abd-Al-Hosseini (2016). *The History of Translation in Iran: from antiquity to the end of Qajar era*. 2nd Ed. Tehrân: Qoqnoos. [In Persian]
- Bahâr, Mohammad Taghi (1942) *Stylistics*. Vol. 3. 1st Ed. Tehrân: Ministry of Culture. [In Persian]
- Boubâni, Farzâd (2008). James Morier, Hâjji Bâbâ and Colonial Literature. *Journal of Foreign Language Research*. No. 43: 5-27. [In Persian]
- Dehqâniân, Javâd; Jamâli, Sediqeh (2014). The influence of Saâdi's Gulistan on the translation of the Adventures of Hâjji Bâbâ of Ispahan. *Textual Criticism of Persian Literature*. Vol. 6. No. 3: 21-36. [In Persian]
- Emâmi, Karim (1974). On the layman-understood and expert-appreciated translation of Hâjji Bâbâ. *Ketab-e Emrouz*. No. 8: 43-52. [In Persian]
- Fârsiân, Mohammad Rezâ; Ghâsemi, Fâtemeh (2020). Reception of Christian Bobin in Iran. *Comparative Literature Research*. Vol. 8. No. 2: 47-67. [In Persian]
- Haddâdiân Moghaddam, Esmâeil (2014). Agency in the translation and production of The Adventures of Hâjji Bâbâ of Ispahan into Persian,

- translated by MostafâHosseini. *Comparative Literature*. No. 9: 107-140. [In Persian]
- Jalâli, Mohammad Amir (2018). The analysis of the reflection of Kalileh and Demneh in the five volumes of Vassaf History from the perspective of the theory of reception. *Literary Text Research*. Vol. 22. No. 77: 143-163. [In Persian]
- Jamâlzâdeh, Mohammad Ali (1969). Preface. *The Adventures of Hâjji Bâbâ of Ispahân, written by James J. Morier*, translated by MirzâHabib Esfahâni. 1st Ed. Tehrân: Amir Kabir Publishers. v-xx. [In Persian]
- Kahnamouipour, Jâleh; Ghanbari, Manijeh (2016). Reception aesthetics of Saadi's Gulistan through its French translators. *Research in Contemporary World Literature*. No. 21: 93-116. [In Persian]
- Karimi-Hakkâk, Ahmad (1999). History of translation in Iran, translated by Majdoddin Keyvani. *Motarjem Journal*. No. 29: 52-65. [In Persian]
- Malekshâhi, Marzieh; Khazâifarid, Ali (2018). Proposing a historical approach for the analysis of the transfer of discourses and theories through translation. *Language and Translation Studies*. Vol. 50. No. 4: 1-24. [In Persian]
- Minovi, Mojtabâ (1967). *Fifteen Articles*. 2nd Ed. Tehrân: Tehran University Press. [In Persian]
- Nâteq, Homâ (1974). Hâjji Morier and the story of colonialism. *Alefbâ*. No. 4: 22-49. [In Persian]